

بِسْمِ رَبِّنا الْأَقْدَسِ الْأَعْظَمِ الْأَبْهَى

حمداً لمن لا يوصف بالمقال الذي لا يقوم معه الرجال و الأبطال و هو الظاهر في يوم المآل لا اله الا هو الغنى المتعال و بعد عرض میشود مکتوب جناب س م عليه بهاء الله الأبهى که بانجناب نوشته‌اند در ساحت اقدس عرض شد اینست بیانیکه از ملکوت بیان بامر رحمن ظاهر یا سمندر قد عرض العبد الحاضر ما ارسلته الى اسم الجود

اینکه در باره جناب آقا مرتضی قلی نوشته بودید لدى المظلوم ذکر شد انشاءالله عنایت محبوب امکان جمیع دوستان را شامل شود و از خسران در جمیع عوالم محفوظ دارد ولکن فی الحقیقه خسران از برای نفوسی است که الیوم از حق محروم و ممنوعند والا نفوسیکه بانوار وجه فائزند و بافق اعلی ناظر صاحب مقامی هستند که کنوز ارض و خزائن آن و لآلی بحر و معادن جبال باو معادله ننماید وقتیکه جناب اسم الله مه در عراق بود مبلغی نزد او جمع شد و اراده نمود بسجن ارض سر ارسال دارد بعد سارقی مطلع شد و آن مال را سرقت نمود و جناب مهدی عریضه بساحت اقدس فرستاد که نوحه و ندبه از آن مرتفع بود و کدورات و احزان لا تحصیه از آن مشهود و این کدورات او نظر بان بوده که اراده اش بظهور نرسید بعد از ساحت اقدس جواب نازل و ارسال شد باینمضمون ای مهدی اشیای فانیه قابل و لایق نفوس فانیه بوده و خواهد بود شما از اینفقره مکدر نباشید ان افرح بذکر ربک و ما یذکرک به مولاک جهد نمائید تا دارای شیئی شوید که فنا آنرا اخذ ننماید و دست خائن و سارق باو نرسد یا سمندر چه مقدار از نفوس که بکمال سعی و اجتهاد مشتی از زخارف جمع مینمایند و کمال فرح و شادی را از جمع آن دارند ولکن در باطن از قلم اعلی بدیگران محول شده یعنی نصیب خود ایشان نیست بسا میشود که باعدای آن نفوس میرسد اعادنا الله و ایاکم من هذا الخسران المبین عمر تلف شد و شب و روز زحمت کشیده شد و مال هم سبب وبال گشت اکثر اموال ناس طاهر نیست اگر ناس بما انزل الله عامل باشند البته عنایت حق آن نفوس را محروم نگذارد در هر حال فضلش مراقب و رحمتش متوجه خواهد بود جناب آقا مرتضی قلی محزون نباشند انشاءالله دارا شوند امری را که ذکرش بدوام ملک و ملکوت در ارض باقی ماند چه که الیوم هر نفسی قادر است بر تحصیل مقامات باقیه این مناجات را قرائت نمایند

سبحانک یا من فی فراقک احترق المقرّبون و فی هجرک صاح الموحّدون و فی بعدک ناح المخلصون اسألك بالاسم الذی به فتحت ابواب الخیرات علی من فی الأرضین و السموات و به سرت سفینه فضلک علی بحر عطائک و جرت جداول رحمتک فی جهات مملکتک بأن تؤیّدنی علی ما تحبّ و ترضی و تقدّر لی ما یحفظنی عن خیانة کلّ خائن و حیل کلّ محتال و ضرّ الذین کفروا بک و بآیاتک ای ربّ قد اخذت بأیادی الرّجاء ذیل کرمک یا مالک الأسماء اسألك بأن لا تخیبنی عمّا قدّرته لأصفیائک الذین نبذوا ما عندهم و اخذوا ما امرتهم به فی کتابک ثمّ اسألك یا مقصود العالم و الظاهر بین الأمم بالاسم الأعظم بأن تنزل علیّ من سماء فضلک و سحاب جودک ما یجمع به ما تشتّت منی ثمّ اکتب لی بعنایتک ما یجعلنی غنیاً عن دونک و ینفعنی فیکلّ عالم من عوالمک انک انت المقتدر علی ما تشاء باسمک المهیمن علی الأشیاء لا اله الا انت العلیم الحکیم ثمّ اسألك بسلطان الأسماء بأن تنزل علی اخی ما تصلح به اموراته الّتی منعته عن عرفانک ای ربّ انت اعلم به منی و منه و انک انت ارحم الرّاحمین

یا سمندر اینکلمات عالیات که از سماء عنایت نازل تلاوت نمایند و اگر یک بار درست قرائت نمایند کافیهست باید جمیع امور بروح و ریحان واقع شود در اینظهور امنع اقدس اعلی نهی نمودیم عباد را از ذکر در معابر و اسواق چنانچه در کتاب اقدس که از ملکوت مقدّس الهی نازل شده اینفقره ثبت گشته طوبی لنفس عملت بما امرت به من لدن علیم حکیم از حقّ جلّ و عزّ بخواید تا غافلین را آگاه نماید و از فیوضات سحاب عنایت خود محروم نفرماید این امورات که در ارض حادث میشود از قبیل خسران مال و اختلافات عالم و تغییرات آن جمیع را بمثابة منادی ملاحظه کنید انسان را بافصح بیان ندا میکند و

خبر میدهد عمّا یرد علیه فی الاستقبال انشاءالله حقّ آذان واعیه عطا فرماید تا کل بامری قیام نمایند که سبب نجاج و فلاح شود الأمر بید الله ربّ العالمین

ای سمندر جناب مر علیه بهاء الله را بعنایت حقّ مسرور دارید قل لک ان تقرأ لوح الرئیس و لوح الباریس چه که این دو لوح مبارک انسان را بمقام ایقان فائز میفرماید و بعد از ایقان و عمل بآنچه امر نمودیم البتّه ابواب خیرات بر وجه شما مکشوف میگردد لا تحزن من شیء توکل علی الله ربّک الکریم انه یأخذ کلّ ید ارتفعت الیه و یسمع کلّ ذکر نطق به عباد و یجیب کلّ سائل تمسک بحبله المحکم المتین الحمد لله ربّ العالمین انتهی از قول اینعبد خدمت ایشان تکبیر برسانید و بگوئید انشاءالله بعنایت رحمن موفّق خواهید شد ان ربنا الرحمن لهو المقتدر القدير

و همچنین فقره جناب آقا عبدالحسین علیه بهاء الله را ذکر نموده بودید که بتوسط ایشان مبلغ مذکور از ارض سلام و ارض هاء و م به حدبا ارسال شده در این فقره جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله هم از ارض تاء مکتوبی باینعبد نوشته بودند و سؤال نموده بودند که مبلغ سی تومان در اینجا موجود شده که باید بارض حدبا ارسال شود و همچنین از جای دیگر و بعد از عرض بساحت اقدس کلماتی از مطلع امر مشرق و حسب الأمر آنکه صورت همان کلمات عالیات نزد آنجناب ارسال شود که ارسال دارند قوله عزّ ذکره فی جواب میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله اینکه در باره موصل نوشته بودید فرمودند اولی آنکه ببشارة و بشر الصّابرين بعد از کلمه مبارکه و لنبلونکم ملتفت میشدند اگرچه در این سنه قحط اکثر بلاد را فراگرفته و لکن انتشار اینگونه امور از دوستان شاید سبب بعضی از حوادث شود ذکر این امور و نشر آن در هر حال باذن باید واقع شود انه اعلم بعباده منهم انه لهو الفرد العليم الحکیم انتهی و هر نفسی بکمال شوق و اشتیاق اراده کند حقوق الله را ادا نماید باید بامثال آنجناب و معتمدین بدهد و قبض اخذ نماید تا آنچه واقع میشود باذن و اجازه حقّ واقع شود انه لهو المعلم الحکیم

و فرمودند بنویس طوبی لک یا عبدالحسین بما سمّیت بهذا الاسم العظیم انا ذکرناک من قبل و نذکرک فیهذا الحین فضلاً من عندی و انا الذاکر العليم طرف عنایت بشما متوجّه بوده و خدمات شما فی سبیل الله مشاهده شد و نیات خیریه شما هم در ساحت اقدس مشهود بوده ان اشکر الله بهذا الذکر المبین

و اینکه در باره حدبا نوشته بودند بعبد حاضر امر نمودیم که آنچه به ابوالحسن از اهل الف و را نوشته شد بشما بنویسند تا مطلع شوید فاسأل الله بأن يجعلک مؤیداً علی ما یرتفع به امره و یثبت به ذکرک فی کتابه الحکیم الحمد لله العلیّ العظیم انتهی

و همچنین در باره قطعه ارضیکه مشابهه بقطعه صغیره این عبد است خریده اند تلقاء وجه عرض شد این جواب از افق بیان مشرق نعم ما عملت انشاءالله از آثار باقیه محسوسست و در این ارض هم حسب الأمر قطعه ارضی اخذ شد تا آثار باقیه باشد لمن اراد الخیر انّ الفضل بیده یختصّ به من یشاء انّ ربّک لهو الفضل القديم امثال این امور بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده خواهد بود چه که باسم حقّ در ایام حقّ واقع شده انتهی

و اینکه در باره موقّیت بعضی از احبّا نوشته بودید که بعابریں سیل و فقرای بلد گاهی انفاق مینمایند در ساحت اقدس عرض شد فرمودند اینفقره بسیار محبوب بوده و خواهد بود طوبی لمن وفقه الله علی الانفاق فی سبیله انه ینزل علیه البرکة من سماء الفضل انه ولیّ الأغنیاء و الفقراء و المساکین

یا سمندر کبیر من قبلی احبائی فی هناك الذین ما منعهم الأوهام عن صراطی المستقیم قل تالله الحقّ سوف تجدون ما عملتم و صبرتم و رأیتم و سمعتم فی سبیل الله ربّ العالمین لا یعزب عن علمه ذرّة من اعمالکم انه یشهد و یری و هو السّميع البصیر یشهد لکم کلّ الأشياء و لکنّ الناس اکثرهم من التّائمین سوف یقومون من نفحات العذاب و یرون ما انکروه فی اللّیالی و الاّیام انّ ربّک لهو العليم الخبیر

ثمّ اعلم أنّا ذكرنا الجواد بآيات تفرح بها افئدة المقبلين و نزلنا للعنديل ما فاح به عرف رحمة ربك الغفور الكريم
يا سمندر جميع دوستانرا تكبير برسان كل لدى العرش مذکورند و در هر کره قلم اعلى بايشان متوجّه و از شطر سجن
ايشانرا ندا مينمايد انشاءالله در جميع احيان باينمقام اعلى فى الحقيقه فائز باشند و ثمر زحمات ايشان در ارض ظاهر خواهد شد
جناب اسم جود عليه بهائى در اين ارض ذکر منتسبين خود را نموده كل را بعنايت الهى بشارت ده و بذكرش مسرور دار آنّه
يذكر من ذكره و أنّه هو خير الذّاکرين و الحمد لله ربّ العالمين

اين خادم فانى اراده نموده که خدمت آنمحبوب تکبير بفرستد ولكن معلوم نيست که بچه طرزی از طراز و بچه قسمی
از اقسام و بچه ذکرى از اذکار و بچه قصهئى از قصص عالم خود را موافق نمايد تا ذکر نمايد و يا بعرضه بيان جلوه دهد اشهد
انى انا الكليل الحقيير الفقير المسكين المحتاج الى الله الغنىّ المقتدر العليم الحكيم و همچنين خدمت محبوبي جناب اخوى
عليه بهاء الله الأبهى و جميع دوستان بهاء الله عليهم خلاف ادبست ذكراى نالايقه اين عبد ولكن از جميع اميد عفو است
از حقّ جلّ جلاله مسئلت مينمايم كل را بطراز وفا مزین دارد و بر صراط امر مستقيم بدارد هيچ ذکرى از اين محبوبتر بنظر
نميايد آنّه لهو الشّاهد البصير

عرض ديگر آنکه متصلاً آثار قلم آنمحبوب ميرسد اينفقره بسيار خوبست و مقبول است ولكن بايد موافق حکمت واقع
شود چنانچه از قبل عرض شد بعضى از نفوس بکلمهئى ميايند و بکلمهئى ميروند لم ادر الى من يذهبون و اى وجه يريدون باری
اين نفوس باندک کدورتى آنچه واقع ميشود ذکر مينمايند و شايد اين سبب تحريك شود در هر صورت بايد آنحضرت بحکمت
ناظر باشند اگر بشود بقسمى ارسال شود که احدى مطلع نشود محبوست والاّ چندی توقّف اولی است و اينفقره بنظر خود
اينعبد آمد که ذکر نمود چه که مشاهده شد که حقّ جلّ کبريايه بسيار در امر حکمت امر مبرم نازل فرموده آنّه لهو العالم
الحافظ الناصر المقتدر القدير